کتراد در آثار ادوارد صعید

حسین پرینجمهالدین
استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه اصفهان

تاریخ وصول: ۸۴/۱۰/۱۸
تاریخ تأیید نهایی: ۸۴/۱۱/۲۵

چکیده
این مقاله به بررسی نظرات ادوارد صعید درباره جوزف کتراد می‌پردازد و
موکوش دلالی مرکزی این رمان‌نویس را در آراء صعید روشن کند. به نظر نگارند،
brرسی سیر تطور نگاه تاقبانی صعید به آثار و اندیشه کتراد می‌تواند نمایه‌ای به نسبه
دقیق از سبیل اندیشه خود صعید باشد. گذشته از وزوآت اشراک زندگی شخصی این دو
متفکر، مضامینی چون تبعید، هویت و استعمار نیز در آثار آنان محوریت دارند. صعید
در نخستین آثارش نگاهی ادبی و زبانی شناختی به آثار کتراد دارد. اما به تدریج و جه
سیاسی نقد او بارزتر و زمینه تاریخی - سیاسی پرورنگتر می‌شود. هدیه‌ی ودود، ناگیر
متن، به مسئله کلیدی تحلیل‌های او بدل می‌شود و آثار کتراد مثل اعلامال نهایت
متن اگانه‌ی می‌شوند. از دید صعید، کتراد بهتر از هر نویسنده اروپایی دیگر در هم
تیز، جهان، متن و نویسنده و پیوند ماهوی میان استعمار و فرهنگ (نمودیافته در
گونه فرهنگی بسیار مهم رمان) را ممثل می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ادوارد صعید، جوزف کتراد، رمان، فرهنگ، امپریالیسم، شرق‌شناسی.
۵۴ پژوهش زبان‌های خارجی

۲۸

همه می‌دانید من شفته‌کتردام؟

ادوارد سعید

مقدمه

ادوارد سعید (۱۹۳۵-۲۰۰۳)، معتقد و نظریه‌پرداز بزرگ سیاسی و فعال گفتمان استعماری، از جمله استعمار و پس‌استعمار (colonial discourse theory) می‌دانید که به نوبه خود الگوی بخش نهایی ناقدانه «مطالعات استعمار و پس‌استعمار» (colonial and postcolonial studies) شد. سعید، که مثل اعمال روشنفکر در زمانه‌اش، مؤلف آثار پرازدهای چون شرق اسلامی (۱۹۷۸)، چهار متن و منتقل (۱۹۸۳) و فرهنگ/آمریکالیسم (۱۹۹۳) در زمینه نظریه ادبی و فرهنگی است. به طور خلاصه، می‌توان آثار او را در سه زمینه دسته‌بندی کرد: رابطه عرب با شرق در دوران استعمار و مابعد استعمار (و نیز به معنای پیش از استعمار)، مسلسل فلسطین و به طور عام رابطه چهان عرب/اسلام با غرب و بازنمایی آن در غرب. و نقش و مسئولیت روشنفکران در چهان معاصر.

سید به جوزف کنراد، رمان‌نویس لهستانی اصل انگلیسی، سخت علاقه‌مند بود، به گونه‌ای که در جای چهار آثار به او اشاره کرد و برای تبیین کلیدی ترین مفاهیم ناقدان‌اش از را مثال می‌آورد. از جمله سیر زندگی و موقعیت هویتی یک نژاد و کنراد شبه‌هایی به هم دارند. این مقاله به پرسی چگونه کنراد، به عنوان متفسک، نویسنده و ماهیت آثار او از دیدگاه یکی از شاخص‌ترین منتقلان قرن بیستم، و نیز یکی از مطرح‌ترین متخصصان آثار کنراد، می‌پردازد.

در این کتاب ابتدا به همانندی‌های زندگی شخصی سیعد و کنراد اشاره می‌شود و سپس مضامین تبیین می‌شود. این پرسیده‌سازی و استعمار، اهمیت رمان و موقعیت روشنفکر از ورای چند اثر اصلی سیعد، که حاکی بیشترین مطلب درباره کنراد منظور بحث قرار می‌گیرند. به نظر نگرانه، بررسی تحول دیدگاه ناقدانه سیعد نسبت به کنراد می‌تواند خط سیر کلی اندازه‌گیری انتقادات خود سیعد را هم بازنمایاند. از این رو، به بحث را با نگاهی به نخستین اثر سیعد، جوزف کنراد و ادبیات دانستی خود زندگی‌نامه‌ای (۱۹۷۶)، آغاز می‌کنیم و سپس به چهان، متن و منتقل و فرهنگ/آمریکالیسم می‌پردازیم و به تناسب، به دیگر نوشته‌های سیعد نیز اشاره خواهیم داشت. خواهیم دید که در آثار سیعد محافظه کاری و سنت‌گرا و کار ادبی صرف به تدریج
کنراد در آثار ادوارد سعید

به تحلیل‌های جهان‌شمولی و سیاسی‌تر می‌انجامد و دیدگاه‌های تأثیرگذار و انتقادی منحصربه‌فردی شکل می‌گیرد.

بحث و پرسی

میان زندگی و وضعیت هویتی سعید با کنراد، شبه‌تئاتری در خروج اعتنایی وجود دارد. سعید خود در مقالاتی، نشر یافته به سال 1986، با عنوان گویای «بین دنیاهای» (ص 13) به این نکته اذعان می‌کند. سعید در 1935 در بیت‌المقدس به دینی آمد. خانواده‌اش به مصر مهاجرت کردند و پدر سخت‌گیرش او را به یکی از مدارس انگلیسی‌زبان طراحی کردند. سال‌های نوجوانی او در تنهایی سپری شد و موسیقی کلاسیک غربی و رمان، نه‌ترک‌گری‌های او و بودن‌اش در همین جاست که می‌توان علاقه‌اش به رمان‌نویسی چون کنراد و اهمیت گونه ادبی رمان در نظربرداری‌های او را راهب‌گر کرد. عربی منبعی را تصویر کنید که در فلسطین به دنبای می‌آید، در قاهره در مدارس انگلیسی و آمریکایی تحصیل می‌کند و سپس برای ادامه تحصیل به آمریکا می‌رود و مقدم آن‌ها می‌شود. عبارت «بین دنیاهای» ای به سیاق روشنگری و گویاست، کنراد هم چون سعید از کودکی خانه‌دوشی را تجربه کرده بود. در نوجوانی از لهستان تحت سیطره روس‌ها مهاجرت کرد و به فرانسه رفت؛ پس از چند سال راهی انگلستان شد و سرانجام تبعه آنجا شد. او نیز «بین دنیاهای» زیست. هر دو به‌نوعی طعم استعمار و امریکایی‌می‌وهجه بودند و سرانجام در کشورهایی زیستند که خود سابقه سلطه‌جویی داشتند. شخصیت‌های مرد توجه سعید جملگی به نوعی تبعیدی و جلای وطن کنراد بودند.

نرود آدوزیون، آوریخ، والتر بمباین و کنراد.

عندتاً محقق the Western Canon از دید سعید، آثار مرکزی فرهنگ غرب

اندیشمندان تبعیدی و جلای وطن کرده است و طرفه‌ای نه کانر Can. غرب این است که

سنا سایانه و تایید می‌کند استقلال فرهنگ اروپایی باشد: با این وجود، اغلب محققان اندیشند کسانی است که تبعید آنان را از این فرهنگ بسی دور کرده است (اشکالات و اهلولایی، 1991 ص 15). مسألة تبعید، البته، نه‌تی مکان جغرافیایی نیست، امری دینی و استعاری نیز هست. از منظر سعید، مخالفان‌دشی‌مندی oppositionality روشفرکنی واقعی است و تبعید نوعی واکنش است و وابستگی از تعلقاتی که ممکن است کار روش‌فرکنی را محدود سازند. بر رسمه‌ای با وطن، روش‌فرکنی جلای وطن کرده به نوعی
وضوح اندیشه و کنش اجتماعی دست می‌باید. تبعید سبب، تبعیدی است به فضای مبانی (interstitial space) که از انگار می‌تواند به هر دو سو بگردد و واجد روش‌شناسی گردد (همان). حال، البته این است که جلایی وطن کردار تا حکاکی را در نقاشی روان‌شناسی که در اواخر سده دو هزارم میلادی به روش‌شناسی رساند و تا حکاکی جد شرایط خاص زمانه، او، دیدش را محدود و مغوش ساخت.

نخستین کتاب سعید برگرفته از رساله دکتری او در دانشگاه هاروارد بود که در ۱۹۶۷ با عنوان جوزف کنراد و ادبیات داستانی خودزنده‌گی‌هایی به چابچه رسید. در این اثر سعید، به زندگی، داستان‌های کوته و نامه‌های کنراد میراد وی به موضوع استعمار و استعمار - از جنبه‌های اصلی نقدی سعید که در نوشته‌های متأخرتر سعید مطرح شد - اشاره‌ای نمی‌کند. در این کتاب، زمینه‌نگاری آثار کنراد بیشتر برای توضیح نامه‌ها و داستان‌های کوته او به مثابه تحلیل‌های دیام دینی فردی کنراد مطرح می‌شود. او، می‌کوشد نمونه دلغویی کنراد نسبت به هویت خود را در آثار این رمان‌نویس بررسی کند. در مقدمه می‌نویسد که پس از واکاوی ابتدای نامه‌های کنراد: به نظر می‌آید اگر کنراد درباره خونش بود، از مسئله تعیین کیستی خود نوشته بود، آن هم با چنین چیزی، می‌باشد یا نوشته‌های بیشتر داستان‌نویسی او تأثیری زرف گذاشته باشد (سعید، ۱۹۷۷، ص ۷۱۳). سعید از ورای نامه‌های کنراد چیزی عجیب در زندگی او یا کشف می‌کند که آن اخلاق شخصیتی اجتماعی است که سربیوشی می‌شد بر مشکلات زرف‌تر و بی‌پریچتر از در هویت و آثار او (همان). از نظر سعید یکی از دلگذشته‌های وسوسه‌ای کردار "عده اطمینان نسبت به خودت است که بیشتر در داستان‌های کوته اور نمونه می‌باید، چون او "متغیب بود زندگی اشتغالشناسی ادفکت‌های را مانند (نامه‌هایی بلند، مدام و منظم) جراح که در خود آدم‌های مختلف بسیاری، چرا که با زندگی مستقل خود، بود: لهستانی و انگلیسی، دریانورد و نویسنده (همان). حتی نشر کنراد، در دید سعید، نمودی از دلغویی هویت اوست. سعید نهر احساس زده، بیش از حد بسیار (overrethorical) یافها، به عبارتی، غیردقیق و ابراهیم آمیز کردار را حاکی از خودنمایی نویسنده نمی‌داند، بل آن را نشانی از تقلا برای یک "خارجی خودآگاه" می‌گرد که سعی داشت در زبانی بیگانه از تجربیات مبهم بی‌پایت. "سپیدمندی" (stylistization) نشر کنراد "آسان تر راه به رای مخفی کردن خیالات انگیز و دشوارتری یا بحیطه حیاتی بس درهم ریخته بود... زندگی لهستانی ای متقاعد به
فراتسه، جلای وطن گردیدهای خودخواسته و بی‌اندازه سخن‌رانی زمانی دریانوردی بوده و حال، به دلایلی که چندان بر خود او آشکار نبودند، نویسنده به اصطلاح داستان‌های پرماجرا شده بودد.

(همان، ص. 4)

سعید در این کتاب، در واقع روانی اگزیستاسیونالیستی از کنراد و آثارش به دست می‌دهد. در اصطلاح خود سعید، زندگی کنراد «گشودن روح به گستره یهنانوچ وجودی که بیرون از خود شناخته است» و این گشودن به «واقعیت و وجودی در زرفی تنین‌یابی انتخاب و امکان‌برداری» (potentiality) می‌انجامد. یعنی، همان «زندری حقيقی ذهن» (همان، ص. 9) ای در شخصیت از آثار کنراد (مارلو و فاکل) و دیگر می‌آورد که با دوراهی و وحشت‌ناکی روی‌روینده پای بگذارند در «گفتنی بومی» محو شودند، و یا «در گرنه‌ی به همان میزان خفقان»، خود را با فریب سازشکارتانه خودرسی نتیجه دهند: یا با یاد تسخیم خانوس (chaos) شوند و یا تسخیم نظام خودپرستانه» (همان، ص. 13). در اینجا نگفتنی جالب اشارة سعید است به «گفتنی بومی» (native obsccurity) یعنی محو شدن فرگیان در آفریقا. شرق‌پای آمریکای جنوبی (پس‌زمینه‌های مکانی‌ای از آثار کنراد) که به «خانوس»، بی‌نظمی مطلق قرن‌ها، عنکبوت شدند.

در اینجا سعید در واقع ناخداگاه، همان برخورت و روی‌کردی را نسبت به دیگر غرب (شرق، آفریقا، امریکای لاتین و به طور خلاصه‌ای غرب-غرب) که به‌دست آن را به نگاه شرق‌شناسانه (orientalist) منتسب می‌کند. به دیگر سخن، نگاه سعید در اینجا رنگی از نگاه شرق‌شناسان دارد. باید سال‌ها می‌گذشت تا سعید دیدگاه انتقادی معروف خود را بیابد و بالان کند و در این راه لازم بوده‌هیت شرقی خود را آگاهی‌تر نبجربه کند. گنجشک روزه بین اعراب و اسراییل در ۱۹۶۷، یک سال پس از انتشار اولین کتاب سعید، نقطه عطفی در زندگی و آثار سعید بود. وی در مصاحبه‌ای از این چرخش‌گاه چنین گفت: «تصوری که از خود داشتش این بود که آدمی هستم سرگرم کار خود. در این مسیر چشمهای را جذب کرده بودم. این واقعیت ذهنی‌ها مشغول کرده بود که فهرمانان فرهنگی می‌توانند ویلکسون، ایزاک ایلین و ریچارد نیوپوره،صنفی‌سی‌ها متفکر، به دیک رفتند اسرائیل. در نوشته‌های آنان ناجورترين چیزها را راجع به آنها با اعراب می‌نوشتند و می‌نوشتند از آنها یادداشت‌برداری کنن. از جریان سیاسی، جایی نبود که به آن ملحق شوم. وقتی گنجشک روزه درگرفت...»
در نیویورک بودم و در آمریکا زیستم. در آن لحظه به دنبال آسان‌سازی های پایان رسیدم. سال‌ها در آمریکا زیسته بودم ولی آن هنگام بود که شروع کردم به نماس گرفتن با اغاخال. تا ۱۹۷۰ دیگر سراپا غرق سیاست و نهضت مقاومت فلسطین شده بودم» (علی، ۲۰۰۳، ص. ۳).

سعید در ادامه از مدت که چگونه شروع به خواندن مطالبی درباره خاورمیانه می‌کند و کمک می‌تواند در تحریفات و بزرگ‌نمایی‌های نادرست‌اند آنها نظام مند بوده و منطبق با دستگاه تفکری فراز و چهره این امر او را به برداشت تاریخی از ادیبات سوق می‌دهد.

من هنوز هم به نقش زیبایی، شناختی باور دارم؛ اما اغلب ادیبات در این‌جا کشته‌شدند. به دنبال عبور از به‌طور کامل شناخت، به دنبال عبور از به‌طور کامل شناخت در استادی است. در این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ هم به‌طور کامل شناخت تشکیل شده‌اند. این‌جا ادبیات و تاریخ H
خود کنراد بررسی می‌شود و به زمینه‌های استعماری-پس‌استعماری مؤلف و متن برداخته‌نامی‌شود. در دو اثر بعدی سعید است که این موضوعات در کانون توجه قرار می‌گیرند. شرق‌شناسی (۱۹۷۸)، به قول طارق علی، «آمریکای است از شریعت جدیلی فعال سیاسی و representation»، پیوند داشت و قدرت و نقش آن در استقلال غرب بر شرق، مضمون اساسی این اثر بسیار تأثیرگذار است. نگره اصلی سعید در این کتاب این است که گفتنمان شرق شناسانه (orientalist discourse) که مدعی «شنائخت» شرق بوده و هست، در واقع شکلی بود از سلسله غرب بر بر («دیگر اروپا») چرا که غرب بازنمایی شرق را در اختریز داشته و آن را به تماشای سلسله‌ای از بیش فرضا و نگرش‌های نادرسیده ایفا کرده و می‌کند؛ شرق‌شناسی (نوعی فرافکی و خوایش است برای استثنا بر شرق) (سعید، ۱۹۷۸، ص. ۹۵). و البته فرهنگ اکثری است کاری است برای ماحتقق کردن این «خوایش غرب» چرا که مبان فرهنگ، سیاست و قدرت، پیوندی نگاشتگی و ناگیسنتی وجود دارد.

در این اثر، تنها چند اشاره به کنراد وجود دارد، شاید به این دلیل که اشاره‌ای از کنراد که می‌باشد و مطالب شرقی دارد، مثل جند رمان اولیه کنراد معروف به سه‌گانه مالزیایی (حماقت آلامی‌های، رانده جرایر و نجات)، به شرق و جنوب شرق آسیا مربوط می‌شوند، حال آن که شرق‌شناسی متمرکز بر خاورمیانه و به ویژه اعراب است. همین چند اشاره گذرا، اما مباحث مهم اثر را مثل می‌کند. فصل سوم کتاب با عنوان «شرق‌شناسی در زمان حاضر» با نقل قولی از دل‌آرکی آغاز می‌شود: «فتح زمان که اغلب به معنای گرفتن آن از کساتی است که چهارشان با ما متفاوت است، یا به‌شان از ما بهتر، اگر دقیق شریم، چیز کششی نیست. آن چه اعجوبه، می‌کند، تنها ایده آن است. ایده‌ای در ورای آن؛ ایده و هن تظاهره‌ای احساساتی؛ و باوری ناخودخواهانه به آن ایده - جیزه که به‌مان برافراشته، تعظیم‌ش کرد و برایش قربانی کرد...» (نقل در سعید، ۱۹۷۸، ص ۲۰۰). این نقل قول مثل کننده دیدگاه کنراد است، نسبت به مسألة استعمار، دیدگاهی تناقض آمیز که سعید در آثار بعدی خود آن را به تفصیل وامی کاگرد.

در بحث از اهمیت جغرافیا در شرق‌شناسی و تفکر شرق‌شناسان غرب در قرن نوزدهم، سعید باز صحنه‌ای از دل تاریخی کنراد را مثال می‌آورد، صحنه‌ای که در آن مارلو از علاقه
شدنی‌ش به نقشه‌ها در کودکی می‌گوید: "ساعت‌ها به آمریکای جنوبی، آفریقا و استرالیا خیابه می‌شود و خود را در نیم‌مکان اکتشاف ها غرق می‌کردا. آن وقت‌ها نقطه خالی زمینی روی نقشه زمین وجود داشت. وقتی یکی از آنه‌ها را می‌دیدم که جایزه‌ای خاص داشت (دولی همه چنین نمودند) روش‌ها نگسته می‌گذاشت و می‌گفتیم "برزگ که شدیم، می‌ردم اونجا".

(نقل در سعید، 1982، ص 212). سعید این بخش از رمان کوتاهی که را تمتیل می‌کرد از گسترش جغرافیایی غرب به شرق، چه در جهتی دنیا و تفکر به چه در عمل. مهم آن بود که جهان گیری صرف به ایجاد آرزوی گردید، اشتهای تصاحب فضاهای جغرافیایی بیشتر به نظری‌های درباره رابطه خاص جغرافیا از یک سو و مورد مانند که نامنند از سوی دیگر تبدیل شود (هیمان). در جایی هم (ص 244) سعید لارنس عربستان را به کورنر زمین، تاریکی تشیه می‌کند که "خود را از زمین واکنه بود تا به واقعیتی نو نقل شود.

جهان، متن و منتقد (1983)، همان گونه که از عنوان بر می‌آید، معطوف به بررسی پیوند و درهم تندیگی متن و منتقد با جهان است (واقعیت‌ها جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی، فردی ....). سعید در این اثر، مفهوم "دنیوی بودن" (worldliness) را مطرح می‌کند و تفصیل می‌دهد که به گمان منتقدان، کلیدی‌ترین مفهوم در آثار سعید است. او می‌کوشد (درهم تندیگی، text) متن با جهان مادی، با جامعه، با فرهنگ و با سیاست و قدرت را بازنمایاند. یک متن (text) همین که متن است، هستندای (being) است در جهان (1983، ص 23). متن (text) همراه با مفهوم متنی، نسج، بافت و textile است با به معنی نسج، بافت و texture بی‌پایه رشته‌پیدا (پایان) با رشته (یوند) همایی با به معنی رشته، زمان، نخ و توسعه، فرزند در جهان "تندیگی" و "بافت" شده است. متن تناها ساعتی لغوی و نحوی نیست، بل فراورده و کنش فرهنگی است که در بطن روابط قدرت تولید شده است (سعید، 1983، ص 129).

تناقضات موجود در متن کوتاه نسبت به مسأله استعمار و امپراتوریم، مخالفت نیم‌بندی و با آن - برختران چگونگی عامل استعمار و تأیید ایستاده آن - را باید دیققاً در همين "دنیوی بودن" در موقعیت خاص همیشه نویسنده و اوضاع تاریخی - سیاسی - فرهنگی و روابط قدرت در زمانه ای یا ایستد. سعید فصلی کامل از این اعتبار را بی‌جهت اختصاصی می‌دهد. و در تابیش مفهوم "دنیوی بودن" با "دنیویت" به مقاله بل ریکور، بی‌پایه‌شنت بالای فرانسوی، با عنوان "متن چیست: توضیح و تفسیری اشاره می‌کند که در آن نویسنده مدعی شده بود:
کنراد در آثار ادوارد سعید

زبان و به طور کلی تمام نشانه‌های عیان زبان، قفتنمان را در واقعیت انضمامی (instance of discourse) فراگیرنده مورد قفتنمان (circumstantial) (جاگر می‌کند. از این رو، در قفتنمان زند، معنای مطلب آن چه می‌گوییم به سوی ارجاعی واقعی می‌کند. بعنوان همان که درباره‌اش بحث می‌کنیم و وقتی متنی جای اگر گفتار را می‌گیریم، دیگر چنین وضعی وجود ندارد ... به این معنا که به تعویق می‌افتد، یک متنی به نوعی "با در هواست" بیرون جهان یا بدون جهان است (نقل از سعید، ۱۹۸۳، ص. ۳۴).

اما سعید تأکید می‌کند که برخلاف نظر ریکر، متن به اشکال گوناگون - که گاه نام‌گذاری در کتاب نقش مرثی کردن آن هاست - درک و درنیمده در موقعیت ضمنی in the (زمان، مکان و جامعه‌اند. متن «به طور خلاصه، در جهان ان» (circumstance (worldly) از این رو دنیویاند (به همان ص. ۳۴. می‌نیزد مانند دریا، که برتری گفتار بر نوشتار را در می‌کند. این نظر را که متن نوشته صرفاً بازتاب یا بازتوپیدی از متن گفتاری ایجاد آل است رد می‌کند. اما "دیدگاه دریا، با تبعیذ، نامحدود مکاتب دستکم در نظر، اتفاقنامه معنایی است که همان‌ها به سمت منت می‌کند، چون هیچ‌گاه نمی‌تواند به طرزی رضایت بخش در جهان قرار گیرد (اشکارافت و اهلالیا، ۱۹۹۲، ص. ۳۹) برخلاف، از دید سعید، متن بر تفسیرشان محدودیت‌هایی تحمل می‌کند؛ راه‌هایی هست که به واسطه آنها "نزدیکی جسم جهان (the world’s body) خواننده را وامی دارد هر دو را ملحوظ کنند" (سعید، ۱۹۸۳، ص. ۳۹).

اگر متن در جهان ان ورودی‌اند و رشته‌پیوندهای گوناگون آنها را در دنبای مادی درنیمده‌اند. پس یکی از کارکردهایان جلب توجه دنیا دنیا بی‌خود است که به طرف مختلف صورت می‌گیرد (اشکارافت و اهلالیا، ۱۹۹۹، ص. ۳۹). سعید در شرح این در جهان - بودن نویسنده گوناگون آن جاری مانند هایکینز، اسکار وایلد، او الیه، کنراد را مثال می‌آورد. در آثار این ایمن موقعیت‌هایی وحشان انضمامی (concrete) می‌یابد، یا به عبارت دیگر، این آثار متضمن موقعیت‌های صریحی‌اند که آنها را در جهان درمی‌پیوندند. در آثار این نویسنده‌گان "تعامل طرح‌یخ و بین گفتار و دریافت آن، بین کلامیت (verbality) و متنیت (متنیت) ۱- البته، همان‌طور که عنوان کتاب سعید می‌رساند، بازتوپیدی متنیت در نقد نیز کششی نیزی می‌رود (سعید، ۱۹۸۳، ص. ۳۵).
62 پژوهش زبان‌های خارجی

(textuality) (1893، ص. 40)، به عنوان مثال، سعدی درباره شعر همانندی می‌گوید: «این جهان [برای او] کلمه است، بیان است، گواه خداوند است» و هر چه‌ی دیگری در این جهان خود را چونان واحدهی لغو بازگو می‌کند (همان). ۱

به همین ترتیب، شیوه پژنیم‌بندی شگرف کردن، وضعیت بازگو کردن (با روایت کردن) آنان را به نمایش می‌کشد، قبیل انگیزه و با موضوعیت می‌کند. البته، یکی از ریزگردهای کلی رمان مدرنیستی است که کنار از پیشگامان آن به شمار می‌رود. می‌دانیم که در این نوع ادبیات داستانی، چگونگی پژنیم‌بندی مهم‌تر یا دست‌کم هم‌ساخت موضوع پژنیم‌بندی است. به مثال، در دل تاریکی یکی از دلغوگاه‌های هامیش مارلو، راوی رمان، این است که آنا مخاطبان او قصه‌ای می‌فهمند. ۲ در این شیوه، نقل قول (غیر) مستقیم فروآوان به کار می‌رود و هم‌بازی میان تصویرپردازی بصری و پرداخت سمعی بسیار بسیار و ظرفیت است و به واقع همان معنا اثر است، تنها مواجهه‌انسان و سرنوشت‌اش در میان نیست، مواجهه کریستینی و شونده/نوسنده و خواننده نیز در کار است (اشکارف‌ی و اهلالیا، 1999، ص. ۴۴). متن نوشته کردار ناتمام‌مایندگی در حال شدن، و این از اهمیت و فرم‌بندی موضوعیت متن نمی‌کاهد، بلکه خوانندگان در دیدگاه دیدگاهی که درک می‌شود و خوانندگان در واقع بر فرمیت متن می‌افزاید (سعدی، ۱۹۸۳، ص. ۳۴). این نوشته‌گانی چون کردار وایه را واپس می‌دهند و این رهگیره متن ساخت را به دنبال گفتگوی پیوندهای زندگی، اما آیا این همبازی با دیالکت‌گی کریستینی و شونده، چنان که بل ریکار آلقا می‌کند، به معناه همسانی و هم‌ارزی آن انگرد، که پای از حد بوده (همان).

1- مثال دیگر سعید از این درخیزیگی متن در جهان اسطوره وایلند است: «آیا یکی از هم عصران وایلند نقل است که چنان می‌گوید که هر چه وایلند می‌گفت میان علاقه‌مند نقل قول قرار داشته‌است» (سعدی، ۱۹۸۳، ص. ۴۲). این امر در مورد نوشته‌هاي او نیز صدق می‌کند، که در سفری که دیگر گفتگوی یکدیگر نشیند، یکدیگر یکدیگر، این که واقعیت انسانی آن به نه اندک، که به چه حد بوده (همان).

2- مارلو بسیاری از جملات خود را با «منتهی‌بندی» با «ما دانستی؟» آغاز می‌کند. وقتی سعی دارد از برداشت خود از کوتاه‌پیش از دیدن و سخن‌گویی، به مخاطبان خود بر غیرفرهنگی می‌گوید، می‌تواند تجسسش کند؟ بیشترش؟ با نظم رهگاهی را براین بازوک کنم... نه، این ناممکن است... » (دل تاریکی، ص. ۳۰). به دیگر سخن، این رمان درباره‌ناممکن بودن روایت است.
درست؟ پاسخ این است که دیقای همین نابرابری روابط گفتگویی است که موجود شرکت‌ناشی به‌ماته زیمنه‌ای به اصطلاب عالم‌شناسی شد (سعید، 1983، ص 17). به قول‌های این رابطه بی‌پدید شد که رابطه میان استعمارگر و استعمار شده با ظالم و مظلوم می‌ماند: کل و تمام چنان گذشته که کاربرد آنها، در برخی موارد حتی کاربردشان، به چیزی غیر از تمثل افتاد، قدرت و زور نیست (همان، ص 41).

مسوتوطین و راه‌پیمای شرک این «دنیو» بودن آثار کنارها در فرهنگ و امپراتوریسم

می‌باشد. سعید در این اثر به علاقه‌پذیری خود به کنارها و ارجاع به آنان به‌اختصار کرد و علت آن را توضیح می‌دهد: «اگر از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌دیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌dیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌dیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌dیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی که به‌نام مبدأ و فروتن‌های فرهنگی جهان محترم، در سفری به بازی از هر چه‌dیگری که به‌روش و قواعد فرهنگیی کر
است» (همان). البته منظور سعيد این نیست که رمان و حتی فرهنگ، در معنايي و سيع،
موجوده اميرپالیسم شدند. بل رمان، به مثاله یکي از مهم ترين مصنوعات فرهنگي بورژواژي، و
امیرپالیسم صراحي مکتبر مصور نستند (همان، ص 84).

این پيوند تگاتگ در رمان انگليسي نمود بيشتری یافته است، چون برآمدن و چرگي
رمان انگليسي در قرن نوزدهم، پديدآی مشخص به فرد بود. قدرت استعماری برطانيا و
پاینده و تداوم آن چنان تفصيلو و برروي در رمان انگليسي ميابد كه مانندش را نمي توان
در اشكال فرهنگي ديگري یافته (همان، ص 87). تسلسل و پوستگي سياست استعماری
برطانيا در سرآر قرن نوزدهم در توصیف رمان انگليسي از برطانيا به سان كانون اميرپالیسم
فرمانی نيست است. دیگر این كه، نمي توان نمونه ای از رمان انگليسي را یافته كه در آنها
انديشه استعمار و اميرپالیسم به طور جدی به نقد و پرسش كشيده شده باشد.

رمان كوتاه دل تاريكي، كه اثر است نمونهوار از كتبرداد، وينز اديبيات انگليسي دوران
استعمار (colonial literature)، ديدگاه سعيد را نيب سالمي كند. از نظر اشکارف (1991،
ص 14) علاقه پيسيته و حتی »وسواس آميز« سعيد به كنراد، نشاندهنده «حاجب موضوع
چنديلي و إيهام مي‌تواند فرهنگي اميرپالیسم است. گرچه چند شرایط استعمار پياز بود، ولی
به نوي را ناگيزي مي‌اكانت، زيرا از نوي فرنزدن زمان خويشتن بود. توزيع كنراد برای
سعيد نماینده ناگيزي برخي جنبه‌های فرهنگي و فرآیند اميرپالیسم در تصریف‌آش در تولید
فرهنگي است» (همان).

در آغاز دل تاريكي، راوي رمان به مقايضة كشورگشيابي و اميرپالیسم روم باستان و
برطانيا، و به طور كلي اروپاي مدرن، مي پردازد و تاثيرات خود را از دل جنگ‌های افريقيا (دل
تاريكي) با آن فرآیند رومي فرضي در هنگام فتح انگلستان به دست روم مقايمه مي كند: آنان
استعمارگران واقعي نبودند، مديریت شان اعمال زور صرف بود، آنان كشورگشا بودند و برای
اين كار فقط زور لازم است... آن چه را مي توانستند غارت مي كردن، محض غارت كردن.

1- تفصيل، را پيرامون، گذاشته گذاشته كه در نقدي سعيد استراتليحي است و گرفته از گرامشي (ميلر،
1991، ص 3). سعيد عنوان یکی از کتاب‌های خود در باب موضوعی را تفصیل موسع‌سازی (1991) گذاشت. از
دید او، موسيقی، بای آنن طریقی که طور کلی، در تفصیل، یا به سطح و شاخ و برگ دادن به سامان‌ها و شاک‌های
اجتماعی دخل نمی‌اند و از این لحاظ معمولاً در خدمت ثبوت و ابقای روابط اجتماعیء (همان).
کناره در آثار ادوارد سعید 65

کارشناسی دزدی خشونت آمیز بود، کشتار در مقیاس کلان بوده؛ (دل تاریکی، ص 10). از دید مارول، راوی داستان، آن چه استعمار اروپاییان را از این فهر و زور صرف متمایز می کند، توجه پذیر ایجاد آن است، ایجادی در پس آن. (همان). باز هم سعید، مدل شرکت‌نشانی، این قطعه کلیدی را نقل می کند و در ادامه، پس از این گوشه کانی آمیز که مستفیض شده از ایجاد، استعمار مشروط به جان در بردن از کشتار و سوختار اواله آن است، یا توضیح می دهد که ایجاد خود، توجه کننده رسالت استعماری، نه بهانه است تا استعیمارگان گناه از خود بی‌شنویند. گرچه از بدو امر نیز این ایجاد بررسی خشونت شده بود، تا ناهد صاحب کن استعمارگان باشد (سعید، ص 32). تفاوت میان امریونوری های استعماری نوین اروپایی، با امریونوری های روم، اسپانیا و حتی اعراب در نظام منتبد بودن آنها بود، در این که می توانستند خود را تجدید و بازتو لید کنند، نه این که صرفاً گوشه‌های کندن، نیازمند و پرودن. (مسائل امروزی صرف نیز نبود، بل بارها سخت تبلیغ شده درباره رسالت متمدن کردند در کار بودند. فرض بر این بود که مدل استعمارگر نه تنها حق، که وظیفه داشتند بر ملل "گم گشته در بزرگت، حكم رانند" (همان). و کنار از این لحاظ پیام جالب تو جه است که ریشه کر و گوییربان از بودن فرهنگ استعمار و امریونوری - و ناتوان بودن - آن را نیک می نمایاند. ام ایجادی نیز برغم خوشی بود.

از دید سعید حتی اتفاقات معروف چنین آگاهی، منتقل و نوبندگان افریقایی، از کناره آمیز حق مطلب جدی دارد این وجه از آثار کشتار، به ویژه در رمان‌های متأخری چون نوسترومو و پیروری، ادا نمی کند. ای درباره دوگانه دیدگاه کناره، که آشکارترین نمونه آن را در دن تاریکی می توان دید، می نویسد: "آخر تفسیر از این اثر به درستی شبکت کنر کرد نسبت به استعمار را متذکر می شوند، ولی به ندرت اذعان می شود که مارول در بازگشت سفرش به آفریقا بر سطح اروپا بر آفریقا صحت می گذارد" (1993، ص 198). مارول، همان گونه که در آغاز رمان اشاره کرد، آموزه آن است که استعمار را ربط نمی‌دهد استعماری نشان و آن را به زبان دیگر طولای زمان مندی تاریخ روایت ذیل (همان) درآورد. پس آثار کناره مثل اعلای این واقعیت‌های که روایت متعارف در کانون "خصوصیت سلطه جویانه و فرون خواف‌های امریونوری" قرار دارد.

1- آمیزی کناره را نواهیستی می خواند که بومیان آفریقا را یکسره عاری از خصائص انسانی توصیف کرده است.
سعید شکاکیت کنراد را به «خودآگاهی علم‌انداز دیدگاه مدیرنشی پساواقع گرایانه» متنسب می‌کند و کنراد را در کتاب دیگر نویسنده‌گان شاخص مدیرنشی همچون فورستر، مالرو، جویس، ت. س. الیوت، بروست، توماس مان و پیتر منجر از فناوری‌های امپریالیسم بر فرهنگ می‌داند (سعید، ۱۹۹۳، ص ۲۷۲). به عبارات دیگر، «آن که از یک منظر داستانها و رمان‌های کنراد بازتابانده‌های تهیه‌ها امپریالیسم در دوران او» است، اما از هر چند «خودآگاهی، گسترش‌کننده، خود-ارجاعی و طنطء و طنز خوردن» شاخص فرهنگ مدیرنشی این آثار روایتی متفاوت و چند پله از استعمار و امپریالیسم به دست می‌دهد (همان). و این هم سخن آخر سید دبیره مضمون استعمار در آخر کنراد: «در هنیهت، مخاطبان کنراد انرژی انسانی، بودن و داستان‌نویسی او در عمل، مؤثر و نه مختلف؛ واقعیت استعمار و امپریالیسم و تعیین دهندگان آگاهی از آن بود، گرچه از قضا شکاکیت خورندگی خود کنراد از این رهگذر مفری می‌یافت» (سعید، ۱۹۹۳، ص ۲۰۰).

---

۱- همان طور که سعید استعمار و امپریالیسم باستانی روم را به نمونه اروپاییان در قرن نوزدهم مقایسه می‌کنند، همچنین امریکا را نیز به استعمار کهن‌تر اروپا می‌سنجد. این قطعه نامل ترانیگری را به طور کامل نقش می‌کند، با این توضیح که زمینه مورد اشاره این نقضیه دوران یک از جنگ‌های اولیه تاریخ است، «دو عقاید امپریالیسم و استعمار و امپریالیسم و نه مخالفان و معتقدان دیدگاهی آگاهی از آن بود، گرچه از قضا شکاکیت خورندگی خود کنراد از این رهگذر مفری می‌یافت».
نتیجه‌گیری
جوزف کنراد در آثار و دیدگاه انتمادی ادوارد سعید، چاپگاهی کلیدی دارد. بررسی سیر تطور نگاه ناقدانه سعید به آثار کنراد می‌تواند نمایه‌ای باشد برای تشخیص دقیق از سیر اندهش خود سعید. وجود اشکال این دو اندهش‌های را گذشته‌ترین شاخصه از شیوه‌های زندگی شخصی شان باید در دقت‌های فکری آن‌ها بررسی می‌گردد. تقاضای آمیزه‌های هر یک از آمریکایی و امپراتوریس و استعمار و اهمیت رمان به نمایش گذاشتن انواع‌های ادبی این دو سری مدرن جست در اولین کتاب سعید، دربرداره‌دهم، به عنوان منابع حائز نیز بوده و در سریال داستان‌نویسی کنراد، نویسنده روایت هستی گرایانه از زندگی و آثار کنراد، با تأکید بر بین‌بندی این دو شاخصی آن‌ها به دست می‌دهد. به زمینه تاریخی- سیاسی در فن‌نوازی این دو نیز بین می‌ند. اما در همین اثر نیز باید از نظر بین‌بندی این دو شاخصی سعید، دیدگاه‌های تاریخی سیاسی در آثار او در روزگار می‌شود. «دبیوی بوند» ناگیر می‌باشد و به سمت بین‌بندی تحلیل‌های سعید بدل می‌شود. باز هم همکناران مشابه این قلمداد می‌شود، چرا که از دید سعید، در آثار او بیش از هر نویسنده دیگر می‌توان تنگه‌های فرهنگی ظرفیت امپریالیسم- از بارزترین وجوه می‌توان غربی در قرون هجدوم و نوزدهم، را به‌یاد کردن و نویسنده روزگاری تقاضای آمیز کنراد به مسأله استعمار و نظر سعید، درهم‌تنگ‌گذی چهار، متن و نویسنده و پیوند ماهوی میان استعمار و رمان اروپایی را نیک ممکن می‌کند.

منابع
7-  ــــــــــــــــــــ  


